

## سیاهکل دلگشا



شما بپردند

نصف شب است که صدای زنگ در مطب می‌پیچد. دکتر از خواب بیدار می‌شود به‌خیال آنکه مریضی آورده‌اند. از شیشه بالای در سرک می‌کشد، هیچ‌کس نیست. داخل مطب برمی‌گردد، دوباره زنگ می‌زنند. باز هیچ‌کس نیست. دکتر فکر می‌کند خیالاتی شده است. برمی‌گردد در را باز می‌کند، می‌بیند یک مُرده توی گونی دم در است، وحشت‌زده در در برق‌آسا به‌هم می‌کوبد و خود را عقب می‌کشد. واهمه‌هایی سراغش می‌آیند، تکند این مرده را گذاشته‌اند اینجا تا همه فکر کنند کار اوست. از کنار گونی به‌تندی می‌گذرد. دو تا پیرمرد پایین‌تر نشستند‌اند و دارند چیق می‌کشند. گونیی را آوردند توی میدان خراسان از اتوبوس پیاده شدند، طرف هم حالش بد بوده، او را توی لحافی پیچیده و به‌صورت گونی درآوردند و گذاشته بودند آنجا. مطب دکتر ساعدی از این داستان‌ها بسیار دارد. خودش می‌گوید مطب عجیبی بود و خاطرات و قصه‌های غریبی از آنجا دارد. مطب ساعدی مکانی ساده نبود، پایگاه عمده روشنفکران آن روزگار بود و مکانی برای اختفای چریک‌های تحت تعقیب. ساعدی می‌گوید «آل‌احمد و شاملو و به‌آذین و سیروس طاهباز و دیگران

همیشه آنجا بودند. من آنجا مریض می‌دیدم. می‌آمدم یک کمی بحث بکنیم و حرف بزنین یا راجع به نشر مجله یا کتاب، دوباره مریض می‌آمد و من می‌رفتم. یک دنیای فوق‌العاده بود.» و این دوران، دههٔ چهل بود که به‌قول ساعدی بحق بسیاری آن را دوران شکوفایی اهل قلم و ادب ایران می‌دانند. ساعدی در این مطب شبانه‌روزی سال‌ها طبابت و زندگی می‌کرد. او مدت‌های مدید در جنوب شهر تهران مطب داشت، اول یک مطب دم کارخانه سیمان‌شهر ری و بعد هم مطب خیابان دلگشا که روبه‌روی آن یک خانه بود که بعدها معلوم شد استواری ارتشی آنجا ساکن شده و از آنجا مطب را می‌پایبند. و ساعدی می‌گوید لابد این مخبرها در یکی دو باری که بعد از ماجرای سیاهکل به مطبش ریختند، دخالت داشتند. «تلفن زنگ زد و یک خانمی گفت من میهن جزنی، زن بیژن. مازار حالش خیلی خراب است می‌خواهم بیایم آنجا. می‌خواهم بیایم آنجا. من میهن را به آن صورت نمی‌شناختم. فکر کردم خوب بچهٔ جزنی اگر چیزیش هست و می‌آورد لابد دلبلی دارد دیگر. منتظر شدم و نیم‌ساعتی بعدش ریختند. در و پیکر را بستند و همه‌جا را

گشتند و مرا برداشتند بردند به کمیته. در کمیته فهمیدم که کلک خودشان بوده. کمیته ساواک یا شهربانی نمی‌دانم… نه‌اینکه مطب من پاتوق شده بود، همه نوع آدم می‌آمدند.» ساعدی از ارتباطش با چریک‌های فدایی خلق روایت می‌کند که رابطه خوبی بوده، «توی مطب می‌نشستم قصه برویجه‌هایی را که کشته شده بودند به‌صورت داستان می‌نوشتم… توی آن شرایط منهای این کارها یک کار دیگر هم می‌کردم: من اگر دوهزار تومان توی جیبم بود فکر می‌کردم که صد تومانش مال من و نه‌صد تومانش مال آنها… اما رابطه من با آنها بیشتر رابطه فرهنگی بود. آنها هم احتیاط می‌کردند که نه آنها گیر بیفتند و نه من… خیلی مخفی با هم رابطه داشتیم.» ساعدی با سران چریک‌ها و پیش از همه با اهل تفکر آنها نشست‌وبرخاست داشت. با بیژن جزنی بسیار دمخو بود و بیشتر اوقات همدیگر را می‌دیدند و او را از معدود آدم‌هایی می‌دانست که «واقعا اهل تفکر» بود. جزنی از دید ساعدی، آدم بسیار آگاهی بود که جمود و خشکی فکر نداشت. حمید اشرف را ساعدی دو سه بار می‌بیند، زمانی که با دیگر هم‌مسئکانش به مطب او آمده بود.

حمید اشرف

منتها با احمد (اشرف) آشنایی نزدیک داشت. ساعدی شکنجه‌های ساواک را به یاد می‌آورد و اینکه مأمور شکنجه اصرار داشت به‌وسیله او شعاغان را پیدا کند و دیگر، مسئله نوشتن بود و رابطه با امیرپرویز پویان که ساعدی می‌گوید او چندان به نشستن و حرف‌زدن اعتقادی نداشت. «آدمی بود که فکر می‌کرد اگر می‌خواهی دنیا را تغییر بدهی باید تغییر بدهی. نشستن و حرف‌زدن کافی نیست. اغلب، خیلی از شب‌ها، دور هم جمع می‌شدیم و بحث بر سر این بود که چه کاری از ما برمی‌آید. ولی پویان همیشه می‌گفت هیچ راه‌حلی نیست. باید یک سوراخی در این دنیای سربی ایجاد کرد. بعد بحث کشیده بود به بحث قضایای چریکی و استنباطات خودشان که داشتند مسئله جنگل را راه می‌انداختند، سیاهکل را. یک شب که در خلوت همدیگر را دیده بودیم، خیابان شانزده آذر فعلی، او اصرار داشت که مرا متقاعد کند که بابا این درست است. من می‌گفتم اینجا که ویتنام نیست که همه‌جا جنگل باشد. یک محدوده هست که ممکن است بزودی محاصره شود و از بین برود. ولی او معتقد بود که خود این تلنگری می‌زند.»

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

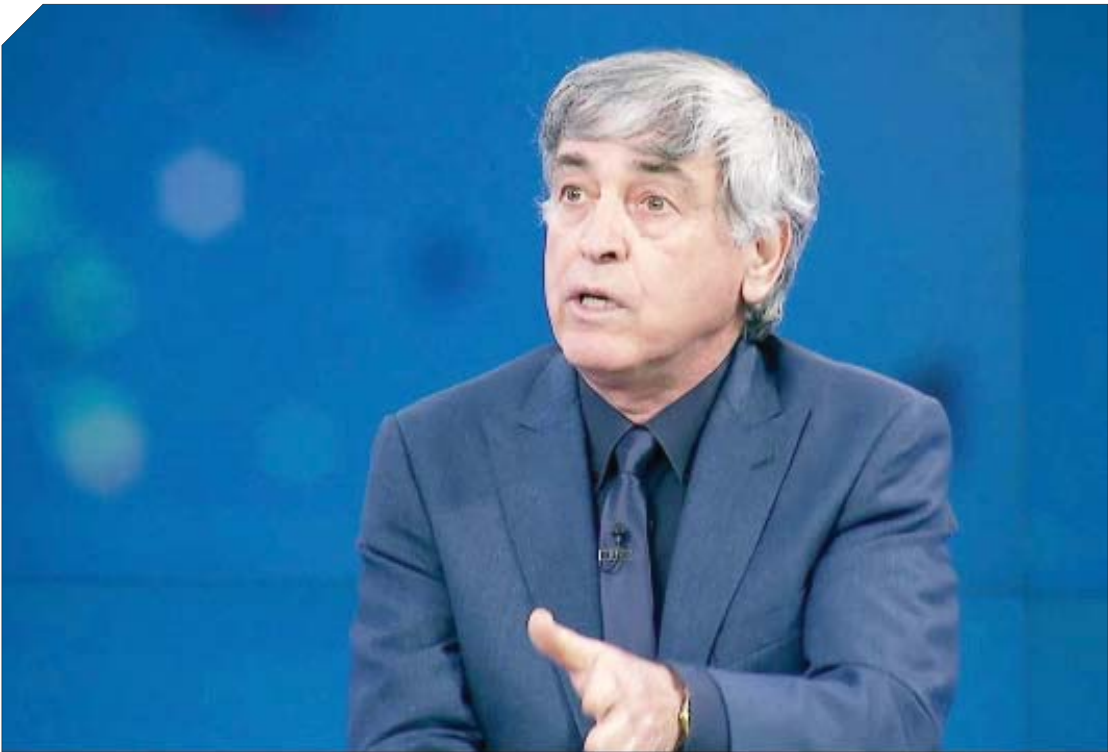
حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف

حمید اشرف



### روایت احمد غلامی از مکان‌ها و آدم‌ها: فرخ نگهدار

## پلاک ۷۰

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی



حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی

حمید اشرف در جریان مصاحبه با بی‌بی‌سی